

بررسی نقش عامل‌های شخصیتی در پیش‌بینی تحول اخلاقی و میزان نوع دوستی

منصور بیرامی - دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

اصغر پوراسمعی - کارشناسی ارشد روانشناسی

مجتبی صالحی حیدرآباد - کارشناسی ارشد روانشناسی

مرتضی عندلیب کورایم - کارشناسی ارشد روانشناسی

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تحول اخلاقی و میزان نوع‌دوستی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی براساس عامل‌های شخصیتی بود. به این منظور ۲۰۸ نفر (۸۸ پسر و ۱۲۰ دختر) از دانشجویان کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی به روش نمونه‌گیری تصادفی - نسبی، انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های جمعیت‌شناختی، پنج عامل شخصیتی (NEO-FFI) و پرسشنامه‌های تحول اخلاقی و نوع‌دوستی «ما»، استفاده شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS17 و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و رگرسیون همزمان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد که از بین پنج عامل شخصیتی دو بعد روان‌رنجور خوبی (به طور منفی) و انعطاف‌پذیری (به طور مثبت) سهم معنی‌داری در پیش‌بینی تحول اخلاقی دارند، و در ادامه نتایج رگرسیون همزمان نشان داد که از بین پنج عامل شخصیتی تنها بعد وجدانی بودن قادر به پیش‌بینی میزان نوع دوستی دانشجویان می‌باشد. واژگان کلیدی: عوامل شخصیتی، تحول اخلاقی، نوع دوستی.

مقدمه

شخصیت و تحول اخلاقی هر کدام قلمرو خاصی از تحقیقات روانشناسی را در برمی‌گیرند؛ با این وجود ادراک تجربی ما از نقش تحول اخلاقی در زمینه‌ی شخصیت کم‌توسعه باقی‌مانده است (والکر^۱ و هنینگ^۲، ۱۹۹۷) این توسعه محدود با مسلم شدن اهمیت شخصیت و تحول اخلاقی در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های روزانه موجب شده است که مورد توجه قرار گرفته و چنین بررسی‌هایی در روانشناسی هدف مهمی واقع شود. به ویژه چنین تحقیقاتی مولفه‌های میان فردی تحول اخلاقی را نیز روشن خواهند کرد و نقش شخصیت در ادراک درست و نادرست از رفتار، دلایل اخلاقی، حل کردن مسائل غامض اخلاقی و فعل و انفعالات بین شخصیت، تحول اخلاقی و رفتار را روشن‌تر خواهند ساخت (ویلیامز^۳، اورپن^۴، هاجینسون^۵، والکر و زیمبو^۶، ۲۰۰۶).

شخصیت و اخلاق آشکارا مرتبط به هم دیده می‌شوند، الگوها و طرح‌های مشابهی در رشد اخلاقی وجود دارند که در رشد شخصیت سهیم هستند (آدیایو^۷، ۲۰۰۷). اهمیت قابل توجه شخصیت در پیش‌گویی هر گونه رفتار از جمله تحول اخلاقی توسط نظریه‌ی آیزنگ^۸ نشان داده شده است. آیزنگ معتقد است که اخلاق با وساطت و میانجی‌گری شخصیت کسب می‌شود (پائلو^۹ و کلایر^{۱۰}، ۲۰۰۰). همچنین رست^{۱۱} (۱۹۸۳) اهمیت متغیرهای شخصیتی را در توانایی برای تغییر موقعیت‌ها در میزان گرایش به عمل اخلاقی را قابل توجه می‌داند. کولبای^{۱۲} و دامون^{۱۳} (۱۹۹۵) ثابت کردند که حساسیت و تعهد اخلاقی مشاهده شده در میان نمونه‌های اخلاقی در مقایسه با جمعیت عادی

1- Walker
3- Williams
5- Hutchinson
7- Adebayo
9- Paulo
11- Rest
13- Damon

2- Hennig
4- Orpen
6- Zumbo
8- Eysenck
10- Claire
12- Colby
14-

متفاوت است و نمونه‌های اخلاقی عقاید مخصوص به خودشان را در زندگی دارند و رویدادها را با آن عقاید تفسیر می‌کنند؛ پس دوباره این مساله نشان می‌دهد که شخصیت و تحول اخلاقی با هم مرتبط هستند گیس^۱ و همکاران (۱۹۸۶)، به نقل از آسوتا^۲، اوکانر^۳ و جکسون^۴، (۲۰۰۹) در بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تیپ‌های اخلاقی دیگر پیرو و خود پیرو به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی‌های شخصیتی چون مستقل بودن و تیپ اخلاقی خود پیرو رابطه وجود دارد.

آیزنگ (۱۹۸۵) ادعا کرد که برون‌گرایی یک نوع افزایش حساسیت به عواطف مثبت را نشان می‌دهد در حالی که روان رنجورخویی فرد را به عواطف منفی حساس می‌کند. بنابراین احتمال این که برون‌گرایی رفتارهای اخلاقی را بازداری کند بالا نیست؛ در حالی که احتمال این که افراد دارای نمره‌ی بالا در روان رنجورخویی رفتارهای اخلاقی را بازداری کنند بالا است. از سوی دیگر آیزنگ (۱۹۸۷) پیشنهاد می‌کند که رفتار جامعه‌پذیر از جمله وجدان و اخلاق از طریق فرایند شرطی‌سازی کلاسیک به دست می‌آید. او معتقد است که برون‌گراها کمتر شرطی می‌شوند در نتیجه در طی جامعه‌پذیری ناکافی و کنترل درونی اندک از نظر تحول اخلاقی کمتر رشد می‌کنند و میزان جرایم در این افراد بالا می‌رود؛ از طرف دیگر درون‌گراها به نظر می‌رسد که شدیداً قابل شرطی شدن هستند. با این وجود، در بررسی‌هایی که بین استدلال اخلاقی در ارتباط با ابعاد شخصیتی آیزنگ (N^2, P^6, E^5) انجام شده داده‌های متفاوتی در دست است، بیشتر مطالعات نشان داده‌اند که افراد با سطوح اخلاقی پایین به همراه بازداری رفتارهای اخلاقی بالا، نمره‌ی بالایی را در روان رنجورخویی دارند (بارتول^۸، ۱۹۸۰^۸، آیزنگ، ۱۹۸۹، فلدمن^۹ و پاول^{۱۰}، ۱۹۷۷؛ به نقل از پائلو و کلایر، ۲۰۰۰).

1- Gibbs

3- O'connor

5- extraversion

7- neuroticism

9- Feldman

2- Athota

4- Jacksonz

6- psychotism

8- Bartol

10- paul

در بررسی دیگری مارتین^۱ (۱۹۸۵) اظهار داشت که ارزش‌های اجتماعی در برون‌گرایی و سایکوتیسم پایین، موجود است در حالی که ارزش‌هایی که با نرم‌های اجتماعی در تضاد هستند در برون‌گرایی و سایکوتیسم بالا دیده می‌شود. در بررسی پائلو و کلایر (۲۰۰۰) روان‌رنجورخویی، سایکوتیسم و برون‌گرایی بالا می‌تواند به واسطه‌ی پایه‌های زیستی و اکتسابی با ارتکاب رفتارهای بزه‌کارانه و استدلال اخلاقی نارس مرتبط باشند. با این وجود، شواهد در مورد برون‌گرایی متناقض می‌باشد. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که هیچ ارتباطی بین این متغیر و تحول اخلاقی وجود ندارد و در برخی مطالعات برون‌گرایی پایین در میان افرادی با سطح استدلال اخلاقی پایین، دیده شده است (هولین^۲، ۱۹۸۹).

پنج عامل شخصیتی که ابعاد شناختی و رفتاری اولیه در افراد مختلف را نشان می‌دهند شاید بتوانند راهبردهای شناختی و رفتاری خاص افراد در هنگام رویارویی با مسایل اخلاقی را پیش‌بینی کنند. در مورد بررسی‌هایی که بین تحول اخلاقی و پنج عامل شخصیتی صورت گرفته است ویلیامز و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیده‌اند که بین همدلی و ویژگی‌های شخصیتی انعطاف‌پذیری و وجدانی بودن با سطوح بالای تحول اخلاقی رابطه وجود دارد؛ و نیز در بررسی آسوتا، اوکانر و جکسون (۲۰۰۹) سه مورد (انعطاف‌پذیری، روان‌رنجورخویی، سازگاری) از پنج عامل شخصیتی، رابطه‌ی معنی‌داری با استدلال اخلاقی داشتند. ابراهیمی (۱۳۸۶) با بررسی تحول اخلاقی و نوع دوستی در ارتباط با پنج عامل شخصیتی گلدبرگ بر روی نمونه‌ی دانش‌آموزی به این نتیجه رسید که تحول اخلاقی سطح 3، 4 و نوع دوستی با سازگاری، تحول اخلاقی سطح 2 و نوع دوستی با انعطاف‌پذیری و در نهایت نوع دوستی با وجدانی بودن رابطه دارد.

با توجه به پیشینه‌ی ذکر شده و فقدان تحقیقات کنترل شده مناسب، ارتباط شخصیت

1-Martin

2- Hollin

شخصیت با تحول اخلاقی و نوع دوستی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ارتباط متغیرهای شخصیتی با تحول اخلاقی و میزان نوع دوستی، با تأکید بر مدل پیش‌بین در بین دانشجویان بود.

فرضیه‌های پژوهش

۱- پنج عامل شخصیتی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تغییرات تحول اخلاقی دانشجویان دارند.

۲- پنج عامل شخصیتی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تغییرات نوع دوستی دانشجویان دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی بود؛ که به بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش (عامل‌های شخصیتی، سطوح تحول اخلاقی و نوع دوستی) پرداخته است. جامعه‌ی آماری را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه محقق اردبیلی که در نیمسال اول ۸۹-۸۸ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌داند که از میان آنها ۲۰۸ نفر با استفاده از جدول کرجسی^۱ و مورگان^۳ و کوهن^۴ (تقی‌زاده، ۱۳۸۶) به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری این پژوهش به صورت تصادفی طبقه‌ای نسبتی بود که در این راستا، ابتدا همه‌ی دانشکده‌های دانشگاه را با توجه به چهار گروه تحصیلی (علوم انسانی، فنی - مهندسی، علوم پایه، کشاورزی) به عنوان طبقات در نظر گرفته شد، سپس به نسبت تعداد دانشجویان هر گروه، نمونه مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب شد. آزمودنی‌ها ۸۸ مرد و ۱۲۰ زن بودند. میانگین سنی آنها ۲۱/۲۰ با انحراف معیار ۰/۶۱ بود. در این پژوهش

1- Krejcie
3- Cohen

2- Morgan

ابزارهای اندازه‌گیری عبارت بودند از:

پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی محقق ساخته: این پرسشنامه شامل ۸ سوال بود که اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها از قبیل رشته، ترم، سن، جنسیت، وضعیت سکونت، تعداد اعضای خانواده، ترتیب تولد، و وضعیت تأهل را اندازه‌گیری می‌کرد.

پرسشنامه‌ی شخصیتی NEO فرم کوتاه (NEO-FFI)^۱: پرسشنامه NEOPI-R^۲ جانشین پرسشنامه NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط پاول تی، کاستا^۳ و روبرت آر. مک‌کری^۴ تهیه شده است. پرسشنامه NEO-FFI فرمی از NEOPI-R می‌باشد که دارای ۶۰ سوال می‌باشد که برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت روان‌آزرده‌خویی^۵، انعطاف‌پذیری^۶، برون‌گرایی^۷، سازگاری^۸، وجدانی بودن^۹ به کار می‌رود.

شارون^{۱۰} و دیگران (۲۰۰۲) ضریب پایایی ۰/۸۶ برای روان‌رنجورخویی و ۰/۷۷ برای برون‌گرایی، ۰/۷۳ برای انعطاف‌پذیری، ۰/۶۸ برای سازگاری و ۰/۸۱ برای با وجدان بودن، گزارش کردند (به نقل از عبدالله‌زاده، ۱۳۸۶).

آلفای کرونباخ به دست آمده توسط و این و دیگران (۲۰۰۳) بدین ترتیب عبارت است از: $E=0/86$ ، $A=0/89$ ، $C=0/60$ ، $N=0/74$ ، $O=0/76$ (به نقل از منبع قبلی).

در ایران ضریب پایایی به دست آمده برای عوامل C,A,O,E,N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (گروسی، ۱۳۸۰) و ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده کل پرسشنامه و پنج بعد C,A,O,E,N به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۷۹، ۰/۵۷، ۰/۳۲، ۰/۷۶، ۰/۶۰ بوده است (قره‌باغی، ۱۳۸۲).

1- NEO-Five Factor Inventory

3- Costa

5- neuroticism

7- extraversion

9- conscientiousness

2- Revised NEO Personality Inventory

4- McCrae

6- openness to experience

8- agreeableness

10- Sharon

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۰

آزمون تحول اخلاقی «ما»^۱: این آزمون در سال ۱۹۸۱ توسط ما به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری‌های نوع دوستی و قضاوت اخلاقی ساخته شده است. آزمون تحول اخلاقی «ما» از دو قسمت تشکیل شده است که قسمت اول آن میزان نوع دوستی و قسمت دوم آن سطح تحول اخلاقی را می‌سنجد پایایی و ثبات درونی قسمت اول در بررسی‌های متعدد از ۰/۷۴ تا ۰/۸۴۱ متغیر بوده است. پایایی و ثبات درونی قسمت دوم این آزمون ۰/۶۴ بوده است.

در آزمون تحول اخلاقی سه معمای اخلاقی در سه موقعیت فرضی مطرح می‌شود.

الف) معمای سارق جوان با یک موقعیت

ب) معمای آزادی بیان با یک موقعیت

ج) معمای سرقت بانک با یک موقعیت

این معماها هر کدام یک موقعیت دارند و هر معما به دو قسمت تقسیم می‌شود هر قسمت سوال‌های مربوط به خود را دارا است؛ و در عین حال سوال‌های قسمت اول با یک مقیاس چنددرجه‌ای از کاملاً بله تا کاملاً نه، درجه‌بندی شده‌اند. همچنین سوال‌های قسمت دوم آزمون که سطح اخلاقی فرد را می‌سنجند از یک مقیاس ۵ درجه‌ای از خیلی زیاد و تا خیلی کم قرار دارند که آزمودنی‌ها با توجه به درجه اهمیت به سوال‌ها پاسخ می‌دهند. در این پژوهش از فرم ب که معادل فرم الف آن استفاده شد لازم به ذکر است که فرم ب در سال ۱۹۸۲، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ به عنوان ابزار سنجش جهت‌گیری اخلاقی به کار گرفته شده است و اعتبار و پایایی آن در تحقیق‌های یاد شده بیش از ۰/۷۵ بوده است (به نقل از میرسلطانی، ۱۳۸۳).

یافته‌ها

در پژوهش حاضر به تناسب فرضیه‌های پژوهشی، دو دسته متغیر یعنی ملاک و پیش‌بین

1- Ma

مورد مطالعه قرار گرفتند. اندازه‌های این متغیرها به کمک ابزارهای مورد استفاده، محاسبه شده و برای عینیت بخشیدن به وضعیت این متغیرها میانگین و انحراف استاندارد این متغیرها در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی تحول اخلاقی، نوع دوستی و پنج عامل شخصیتی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
تحول اخلاقی	۹/۰۹	۳/۰۱	۱/۵	۱۶
نوع دوستی	۱۷/۳۸	۳/۱۹	۸/۸	۲۴/۶۵
روان رنجورخویی	۲۲/۴۰	۸/۳۶	۶	۴۰
برون گرایی	۲۷/۷۳	۶/۵۲	۹	۴۳
انعطاف پذیری	۳۰/۲۵	۵/۲۳	۱۹	۴۵
سازگاری	۲۹/۱۶	۶/۰۲	۴	۴۱
وجدانی بودن	۳۱/۵۳	۶/۰۷	۱۵	۴۴

فرضیه شماره ۱ پنج عامل شخصیتی نقش معنی داری در پیش‌بینی تغییرات سطوح اخلاقی دانشجویان دارند. برای آزمون این فرضیه‌ی پژوهشی از روش رگرسیون همزمان استفاده شد.

جدول ۲ پیش‌بینی تحول اخلاقی بر اساس پنج عامل شخصیتی

مدل	R	R ²	خطای استاندارد	F	df ₁	df ₂	سطح معنی داری
۱	۰/۴۰	۰/۱۶	۳/۰۳۲	۵/۵۴	۵	۱۳۹	۰/۰۰۱

بر اساس این جدول چنین استنباط می‌شود که ارتباط خطی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک حدود $R=0/40$ است، و ضریب تعیین این متغیرها برابر است با $R^2=0/16$. این میزان همبستگی و ضریب تعیین با $F=5/54$ در سطح $p<0/001$ معنی دار است. بنابراین متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی داری پیش‌بینی کنند. به

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۰

تعبیر دیگر پنج عامل شخصیتی ۱۶٪ از تغییرات تحول اخلاقی را به طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌نمایند.

جدول (۳) تحلیل واریانس تغییرات متغیر ملاک بر اساس تغییرات متغیرهای پیش‌بین

شاخص‌ها	تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون		۲۵۵/۱	۵	۵۱/۰۲	۵/۵۴	۰/۰۰۱
همزمان	باقی مانده	۱۲۷۸/۳۸	۱۳۹	۹/۱۹		
کل		۱۵۳۳/۴۹	۱۴۴			

نتایج حاصل از تحلیل واریانس جدول ۳ نیز نشان می‌دهد که رگرسیون متغیرهای پیش‌بین به طرف میانگین متغیر ملاک از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. چرا که F محاسبه شده ۵/۵۴ در سطح $p < 0/01$ از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد.

جدول (۴) پیش‌بینی تحول اخلاقی از روی متغیرهای پیش‌بین

شاخص‌ها	B	β	t	سطح معنی‌داری
روان‌رنجور خوبی	-۰/۱۳	-۰/۳۵	-۳/۱۹	۰/۰۰۲
برون‌گرایی	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۴۷	۰/۶
انعطاف‌پذیری	۰/۱۱	۰/۱۸	۱/۹۶	۰/۰۴۲
سازگاری	-۰/۰۷	-۰/۱۳	-۱/۴۲	۰/۱
وجدانی بودن	۰/۰۵	۰/۱۰	۱/۱۳	۰/۲

باتوجه به ضرایب β مندرج در جدول ۴ معلوم می‌شود که از بین متغیرهای پیش‌بین (پنج عامل شخصیتی)، تنها روان‌رنجور خوبی با (-۰/۳۵) و انعطاف‌پذیری با (۰/۱۸) به ترتیب به شکل معنی‌داری تحول اخلاقی را تبیین می‌کنند.

فرضیه شماره ۲ پنج عامل شخصیتی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تغییرات نوع دوستی دانشجویان دارند. به منظور بررسی این فرضیه‌ی پژوهشی مجدداً از رگرسیون همزمان استفاده شد.

جدول (۵) پیش‌بینی نوع دوستی بر اساس پنج عامل شخصیتی

مدل	R	R ²	خطای استاندارد	F	df ₁	df ₂	سطح معنی‌داری
۱	۰/۳۰	۰/۰۹	۳/۲۷	۲/۷۶	۵	۱۳۹	۰/۰۲

بر اساس این جدول چنین استنباط می‌شود که همبستگی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک حدود $R=0/30$ است، و ضریب تعیین این متغیرها برابر است با $R^2=0/09$. این میزان همبستگی و ضریب تعیین با $F=2/76$ در سطح $p<0/05$ معنی‌دار است. بنابراین متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند. به تعبیر دیگر پنج عامل شخصیتی ۹٪ از تغییرات نوع دوستی را به طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌نمایند.

جدول (۶) تحلیل واریانس تغییرات متغیر ملاک بر اساس تغییرات متغیرهای پیش‌بین

مدل	شاخص‌ها	تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی‌داری
	رگرسیون		۱۴۸/۵	۵	۲۹/۷	۲/۷۶	۰/۰۲
	همزمان	باقی مانده	۱۴۹۴/۸۲	۱۳۹	۱۰/۷۵		
		کل	۱۶۴۳/۳۲	۱۴۴			

نتایج حاصل از تحلیل واریانس جدول ۶ نیز نشان می‌دهد که رگرسیون متغیرهای پیش‌بین به طرف میانگین متغیر ملاک از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. چرا که F محاسبه شده $2/76$ در سطح $p<0/05$ از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد.

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۰

جدول (۷) پیش‌بینی نوع دوستی از روی متغیرهای پیش‌بین

متغیرها	شاخص‌ها	B	β	t	سطح معنی‌داری
روان رنجورخویی		۰/۰۵	۰/۱۳	۱/۱۵	۰/۲
برون‌گرایی		۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۳۹	۰/۶
انعطاف‌پذیری		۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۷۴	۰/۴
سازگاری		۰/۰۷	۰/۱۳	۱/۳۳	۰/۱
وجدانی بودن		۰/۱۲	۰/۲۲	۲/۲۵	۰/۰۲

باتوجه به ضرایب β مندرج در جدول ۷ معلوم می‌شود که از بین متغیرهای پیش‌بین (پنج عامل شخصیتی)، تنها وجدانی بودن با (۰/۲۲) به شکل معنی‌داری تغییرات متغیر ملاک یعنی نوع دوستی را تبیین می‌کند ($p < ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج یافته‌های مربوط به فرضیه ۱ نشان می‌دهند که از بین پنج عامل شخصیتی دو بعد روان رنجورخویی و انعطاف‌پذیری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تحول اخلاقی دارند، این یافته در مورد بعد روان رنجورخویی با یافته‌های آیزنگ (۱۹۸۹)، بارتول (۱۹۸۰)، فلدمن و پاول (۱۹۷۷) (به نقل از پائلو و کلایر، ۲۰۰۰) و آسوتا و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

سه ویژگی روان رنجورخویی که در پیش‌بینی ارتباط با تحول اخلاقی مهم به نظر می‌رسند عبارتند از: ناستواری هیجانی، تمایل به نشان دادن عواطف منفی و قابلیت شرطی شدن اجتماعی پایین در این افراد. عواطف منفی (نظیر ترس، اضطراب، افسردگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت) موجب می‌شود که احتمال بازداری رفتارهای اخلاقی در این افراد بیشتر باشد (آدیایو، ۲۰۰۷).

همچنین آیزنگ (۱۹۸۵، به نقل از مدرک^۱، ۲۰۰۶) بیان می‌کند که رفتارهای

1- Mudrack

جامعه‌پذیر از جمله وجدان و اخلاق از طریق شرطی‌سازی کلاسیک به دست می‌آیند و ایشان معتقد است که اضطراب زیاد در افراد با نمره‌ی بالا در روان رنجورخویی، در شرطی شدن این افراد تداخل ایجاد می‌کند و موجب می‌شود که کمترین میزان شرطی شدن را داشته باشند که این عامل موجب بازداری رفتار اخلاقی و سطوح بالای رفتارهای ضد اجتماعی می‌شود.

دومین بعد که نقش معنی‌داری در پیش‌بینی تحول اخلاقی دارد انعطاف‌پذیری می‌باشد این بخش از یافته با نتایج پژوهش‌های دولینجر^۱ و لامارتیا^۲ (۱۹۹۸)، ویلیامز و همکاران (۲۰۰۶) و آسوتا و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

بعد انعطاف‌پذیری شش وجه خیال و رویا، زیبایی‌شناسی، احساسات، اعمال و کردار، ایده‌ها و ارزش‌ها را می‌سنجد، نمره‌ی بالا در این بعد با صفاتی نظیر کنجکاوی ذهنی، خلاق بودن، احساس زیباپسندی، آزاد اندیشی، فرهنگ دوستی، تفکر انتزاعی، تجسم، استقلال در قضاوت، آزادی از قیوم و رسوم (غیرقراردادی بودن)، تنوع‌طلبی و توجه به احساسات درونی بالا، مشخص می‌شود (رسل^۳، ۱۹۹۷). رسل (۱۹۹۷) معتقد است که این صفات در انعطاف‌پذیری، صفات نقش‌دار در فرایندهای قضاوت اخلاقی افراد می‌باشد، به طوری که نمره‌ی بالا در سطوح استدلال اخلاقی، مهارت‌های شناختی فیلسوفیایی، تفکر انتزاعی و کنجکاوی ذهنی فرد را می‌طلبد.

انعطاف‌پذیری معادل با هوش بودن نیست ولی ارتباط مثبتی با هوش دارد (مک کری، ۱۹۸۷، به نقل از حق‌شناس، ۱۳۸۵). همچنین این بعد شخصیتی با خلاقیت‌شناختی و هیجانی نیز در ارتباط است (آوریل^۴، ۱۹۹۹) بنابر این علاوه بر این که این بعد شخصیتی نشانگر سطوح بالای تفکر و شناخت در فرد است، با سطوح بالا و عالی تفکر رابطه‌ی مثبت دارد و این خود می‌تواند رابطه‌ی این بعد شخصیتی با سطوح

1- Dollinger
3- Russell

2- LaMartina
4- Averill

بالای اخلاق را تبیین کند چرا که گلبرگ^۱ (۱۹۵۸، به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۶) معتقد است سطوح بالای قضاوت اخلاقی، فرایندهای شناختی پیچیده‌تر، مجردتر و عالی‌تر را می‌طلبد.

نتایج یافته‌های مربوط به فرضیه ۲ نشان می‌دهند که از بین پنج عامل شخصیتی تنها بعد وجدانی بودن نقش معنی‌داری در پیش‌بینی نוע دوستی دارد، این یافته در مورد بعد وجدانی بودن با نتایج یافته‌های ابراهیمی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

لاتانه^۲ و دارلی^۳ (۱۹۷۰) یکی از اصول اساسی برای نوع دوستی را مسوولیت می‌دانند یعنی فرد ناظر باید خود را مسوول بداند و احساس مسوولیت کند تا به دیگران بی‌تفاوت نباشد. در تأیید این اصل آزمایش‌های لوین^۴، نورنزیان^۵ و فیلیبریک^۶ (۲۰۰۱) نشان داد که درونی‌سازی هر چه بیشتر هنجار مسوولیت‌پذیری باعث تمایل بیشتر به نوع دوستی می‌شود و کاهش آن موجب افزایش بی‌تفاوتی می‌شود، با توجه به این که مسوولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی بالا یکی از صفات اصلی در مقیاس وجدانی بودن می‌باشد، رابطه‌ی این بعد شخصیتی با نوع دوستی منطقی به نظر می‌رسد.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۱۳۸۹/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۴/۰۵

1- Kohlberg
3- Darley
5- Norenzayan

2- Latane
4- Levine
6- Philbrick

References

منابع

- ابراهیمی کاظم‌آبادی، اعظم (۱۳۸۶). بررسی رابطه سطوح تحول اخلاق و گرایش‌های نوع دوستانه با شیوه‌های مقابله با استرس در ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره.
- تقی‌زاده، هوشنگ (۱۳۸۶). الگوی گرافیکی روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، نشر حفیظ.
- حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت، شیراز، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- عبدالله‌زاده، بیانہ (۱۳۸۶). مقایسه بین عوامل شخصیتی، سبک‌های حل مسأله و میزان استرس تجربه شده میان افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
- قره‌باغی، حسین (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی و رضایت شغلی کارکنان کارخانه تراکتوسازی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تبریز.
- گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز، نشر جامعه‌پژوه.
- میرسلطانی، میرباقر (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه تحول اخلاقی نوجوانان بزه‌کار با نوجوانان عادی پسر و دختر، پایان‌نامه، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- Adebayo, S.O. (2007). Eysenckian Dimensions of Personality and Morality: An Operationalisation of Possible Relationships Pakistan, *Journal of Social Sciences*, 4 (1): 32-38.
- Athota, V.S., O'connor, P.J., Jacksonz, C. (2009). The Role of Emotional Intelligence and Personality in Moral Reasoning, *Sciences Book Chapters*.
- Averill, J.R, (1999). Individual Differences in Emotional Creativity: Structure and Correlate, *Journal of Personality*, 6, 342-371.

► فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

► سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۰

- Colby, A. and Damon, W. (1995). The Development of Extraordinary Moral Commitment, In Killen, M. and Hart, D. (Eds.) *Morality in Everyday Life; Development Perspectives*; New York: Cambridge University Press.
- Dollinger, S.J., & LaMartina, A.K. (1998). A Note on Moral Reasoning and the Five Factor Model, *Journal of Social Behavior and Personality*, 13, 349-358.
- Eysenck, H.J. and Eysenck, M. (1985). *Personality and Individual Differences*, New York
- Eysenck, H.J., (1987). *Personality Theory and the Problems of Criminality*. In: McGurk, B.J., Thornton, D.M. and Williams, M. Editors, 1987. *Applying Psychology to Imprisonment: Theory and Practice HMSO*, London.
- Hollin, C., (1989). *Psychology and Crime: An Introduction to Criminological Psychology* Routledge, London.
- Latane, B, Darley, J.M; (1970). *The Unresponsive Bystander, Why Doesn't he Help ?* New York, Appleton-Century-Crofts, p 15.
- Levine, R. Norenzayan, A. Philbrick, K; (2001). Cultural Differences in the Helping of Strangers, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32: 556-559.
- Martin, A.L., (1985). Values and Personality: A Survey of Their Relationship in the Case of Juvenile Delinquency, *Personality and Individual Differences* 6, pp. 519-522.
- Mudrack, P. (2006). Moral Reasoning and Personality Traits, *Psychological Reports*, 98(3), 689-698.
- Paulo, A.A., and Claire, E.N., (1999). Personality and Moral Reasoning in Young Offenders, *Personality and Individual Differences Volume 28, Issue 3*, March 2000, Pages 609-623.
- Rest J.R., (1983). *Morality in Mussen, P., (Ed.) Manual of Child Psychology*, (4th Edn.) New York: Wiley, pp: 566-629.

- Russell, W.C., (1997). Relations between Moral Reasoning, Personality Traits, and Justice-decisions on Hypothetical and Real-life Moral Dilemmas, Thesis (Ph.D.) Simon Fraser University.
- Walker, L.J., & Hennig, K.H. (1997). Moral Development in the Broader Context of Personality, In S. Hala (Ed.), The Development of Social Cognition (pp. 297-327). East Sussex, UK: Psychology Press Ltd.
- Williams, K.M., Orpen, S., Hutchinson, L.R., Walker, L.J., & Zumbo, B.D (2006). Personality, Empathy, and Moral Development: Examining Ethical Reasoning in Relation to the Big Five and the Dark Triad, University of British Columbia.

